

فکر رنگین صائب

یحیی خانمحمد آذری

بدون تردید صائب تبریزی یکی از شعرای نامدار و گوهر ثمین تاج مرصع شعر و ادب ایران زمین است و اگر او را ستاره‌ای از سیارات سبعة کهکشان آسمان گوهرآزین زبان فارسی شماریم هرگز سخن به گزاف نگفته‌ایم. صائب در خلق مضامین بکرید طولایی دارد و ابداعات او در شعر انسان را در تنگنای ذهن به اندیشه فرو می‌برد. بیان معمایی، ظرافت طبع و لطافت خیال صائب شعر او را جاودانه ساخته است.

روانشاد استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب می‌نویسد: «صائب آفریننده مضمون‌های تازه است و این از مختصات شیوه اوست.» او در شعر فارسی سبکی نو ابداع کرد که آوازه‌اش عالم شعر و ادب را فرا گرفت. برخی از فحول ادبا آن را سبک هندی نامیدند و صائب را قهرمان این شیوه شمردند. در بادی امر این اظهار نظر تشتتی شگرف بر اذهان شعرشناسان و اساتید فن پدید آورد. برخی آن را پذیرفتند و جمعی دیگر آن را برنتافتند و تسمیه طرز موصوف را به سبک هندی سهوی فاحش دانسته، آن را سبک اصفهانی نامیدند و شادروان امیری فیروزکوهی نیز طرز صائب را «سبک دوره صفوی» خواند.^(۱)

نظر زنده‌یاد ذبیح‌الله صفا در این مقوله مغایر سایر صاحب‌نظران است. آن فقید سعید می‌فرماید: «سبک هندی درست است، ولی برای آن دسته از سخنوران بزرگ هند که با آموختن زبان فارسی و قرار داشتن زیر تأثیر محیط و داشتن لهجه معینی از فارسی که در آن سرزمین رایج شده بود، شعر فارسی را به نوعی خاص و با زبانی ویژه خود و تعبیرهای سازگار با آن سرودند، به‌نحوی که سخنانشان با گویندگان هم‌عهدشان در ایران تفاوت بسیار داشت، پس این (سبک هندی) می‌تواند شیوه سخنوری شاعرانی پارسی‌گوی از سرزمین هند باشد که از اواخر سده یازدهم به بعد ظهور کرده‌اند...»^(۲)

ما در این مقاله بر آن سریم که کجایی بودن صائب را بررسی کنیم، لذا عنان زبان را از دیار سبک و سیاق وی به این وادی می‌کشیم و ضمن اعتذار از تطویل کلام، به سبب اهمیت موضوع، دامن سخن را چندان می‌گسترانیم که از ورای حجاب عجب و غرور و تعصب سیمای حقیقت بیرون افتد و به واقعیت امر دست یابیم.

قافله شعر و ادب فارسی کاروان سالارانی چون حکیم طوس، حافظ و سعدی شیراز، مولای روم، نظامی گنجوی دارد و صائب تبریزی نیز از این زمره است. آوازه این بزرگان مرزهای کشور را درنوردیده و جهانی گشته‌اند و البته مردم بومی زادگاه این سخنوران مستحق فخرورزی به وجود هریک از موزون سخنان مرز و بوم خوداند. اگر این ناچیز سخن از کجایی بودن صائب را پیش کشیده صرفاً قصد جمع‌آوری اطلاعات پراکنده در این زمینه و ارائه آن به محضر خوانندگان حقیقت‌جو و صاحب‌دل است و لاغیر و نه اظهار غرور نشأت گرفته از تعصب صرف.

چندی پیش برای یافتن ابیاتی از صائب و برخورداری از نفس گرم و فکر رنگین وی و استشمام رایحه دل‌انگیز شعرش دیوان یک جلدی او را که به اهتمام شادروان امیری فیروزکوهی فراهم گشته است، می‌خواندم. ایشان در مقدمه شیوا و تحقیقی که برای دیوان نگاشته، مطالبی بسیار سزاوار و درخور شأن شاعر به رشته تحریر کشیده‌اند، اما در بیان کجایی بودن او ره به سویی دیگر سپرده‌اند. آن زنده‌یاد مولد شاعر را شهر اصفهان دانسته و تصریح می‌کنند: «میرزا محمدعلی صائب تبریزی اصفهانی، مولد ایشان به اتفاق ارباب تذکره شهر اصفهان است.»^(۳) حاشا که این اظهار نظر با تعصّب آلوده باشد.

به نظر قریب به اتفاق تذکره‌نویسان نام شاعر میرزا محمدعلی و تخلص او صائب است و هیچ‌یک از روی هوی و برای تفنن اسم تبریز را به دنبال تخلص او نیاورده‌اند، و اگر مولد شاعر حقیقتاً شهر اصفهان می‌بود، نسبت اصفهانی او را گزیده‌تر می‌نمود، درحالی که نگارنده بیش از یکی دو جای این نام و نشان را از صائب ندیده است.

شادروان امیری در ادامه می‌نویسد: «تنها ولیقلی‌بیگ شاملو در قصص الخاقانی آن هم بنا به نقل فاضل مرحوم میرزا محمدعلی‌خان تربیت مولد وی را شهر تبریز دانسته و این قول چون برخلاف اجماع تذکره‌نویسان و ناشی از تعصّب است، صحیح و قابل استناد نیست.»^(۴)

شگفتا که استاد، قصص‌الخاقانی ولیقلی‌بیگ شاملو را یگانه مرجع می‌شمارند که صائب را تبریزی دانسته، آن‌هم از قول شادروان میرزا محمدعلی تربیت. ظاهراً فرصت نکرده‌اند به تورقی کوتاه در سایر متون فارسی بپردازند و شاید به دلیلی خاص غمض عین فرموده‌اند. معمولاً در بررسیهای علمی و ادبی

مزاح را محلی از اعراب نیست که این اظهار نظر ایشان را حمل بر شوخ طبعی استاد کنیم، زیرا منابع ادبی داخل و خارج کشور مشحون از شروح احوال و آثار سخنوران، فرهیختگان و علمای نام‌آور ایران است.^(۵)

زنده‌یاد علی‌اصغر حکمت صائب را تبریزی‌الاصل و اصفهانی‌المدفن می‌شمارد و می‌گوید: «صائب تبریزی، استاد المتأخرین، شاعر دو کشور ایران و هند، نامش محمدعلی، مولدش تبریز، مدفنش اصفهان است...».^(۶)

شادروان احمد گلچین معانی در مقدمه‌ی جامعی که برای «فرهنگ اشعار صائب» نگاشته می‌فرماید: «بدان که اسم شریف این چراغ‌افروز خانواده‌ی روشندلی، میرزا محمدعلی است و مولد آن جناب که نظم و نثر کلامش همگی بهجت‌آمیز است، ولایت جنت‌آیت تبریز است».^(۷)

ملیحای سمرقندی ده سال بعد از وفات میرزا محمدطاهر نصرآبادی صاحب تذکره‌ی نصرآبادی، به سال ۱۰۹۳ به تألیف مذكرالاصحاب همّت گماشت و درباره‌ی صائب نوشت: «اما میرزا صائبا در اصل تبریزی بوده و محمدعلی نام داشته و در تاریخی که شاه عباس تسخیر مملکت تبریز را وجهه‌ی همّت ساخته و امر کرده که هزار خانه‌ی مردم بلده‌ی مذکور خارج گردیده و مأمور دخول دارالسلطنه اصفهان شود...».^(۸)

ادیب فرزانه ادوارد گرانویل براون که دلبستگی عمیق به زبان و فرهنگ ایران داشت و مخلصانه بدان عشق می‌ورزید، می‌نویسد: «گرچه نشو و نمای صائب در شهر اصفهان بوده و در این شهر به کسب علم و کمال پرداخته است، اما اصلش از تبریز است، بیشتر او را صائب تبریزی می‌خوانند و خودش در اشعارش چند بار به این نسبت اشاره کرده است».^(۹)

برای اجتناب از اطناب، اجمالاً به تذکر نام چند تن از تذکره‌نویسان و آثار ایشان که کلام خوش خویش را به شرح حال و سوانح عمر صائب اختصاص داده‌اند می‌پردازم: شیرخوان لودی (مرآت‌الخیال)، میر غلامعلی آزاد بلگرامی (تذکره سرو آزاد)، عارف شیرازی (لطایف‌الخیال) و شبلی نعمانی (شعرالعجم) و ده‌ها اثر دیگر که در پایان مقال به تذکر نام آنها پرداخته‌ایم.

نصرآبادی نیز تحت نام میرزا صائب به شرح کوتاهی از احوال صائب پرداخته و او را شاعری دوزبانه می‌خواند و می‌گوید: «انوار خورشید فصاحتش چون خرد خرده‌بین عالمگیر و مکارم اخلاقش چون معانی رنگین دلپذیر، خامه دو زبانش...»^(۱۰) نباید تردید داشته باشیم که یکی از دو زبان همانا ترکی آذری بوده است. در دیوان صد و بیست هزار بیتی وی به ابیاتی مفاخره‌آمیز برمی‌خوریم که شاعر از تبریزی بودنش به خود می‌بالد:

صائب از خاک پاک تبریز است هست سعدی گر از گل شیراز

✱

تا قیامت گر به من صائب ننازد دور نیست
کی چو من آتش زبانی کشور تبریز داشت

✱

ز حسن طبع تو صائب، که در ترقی باد
بلند نام شد از جمله شهرها تبریز

✱

ز خاک پاک تبریز است صائب مولد پاکم
از آن، با عشق‌باز شمس تبریزی خبر دارم

مؤلفین دائرة المعارف آذربایجان در بخش مربوط به صائب آورده‌اند که «صائب تبریزی، میرزا محمدعلی فرزند عبدالرحیم متخلص به «صائب تبریزی» در سال (۱۰۱۰ هـ / ۱۶۰۱ م) در تبریز متولد شد و در (۱۰۸۷ هـ / ۱۶۷۶ م) در اصفهان روی در نقاب خاک کشید».^(۱۱) اما ارباب تذکره را درباره تاریخ فوت شاعر بین سالهای (۱۰۸۸-۱۰۸۱) اختلاف نظر است.

حمید آراسلی ادیب محقق آذربایجانی در مقدمه‌ای که بر دیوان ترکی صائب نگاشته،^(۱۲) می‌گوید: «با وجود اینکه صائب در اصفهان می‌زیست، با سرزمین مادری خود، تبریز، و اقوام و آشنایان مانده در آن دیار دائم در ارتباط بوده و علقه فیمابین را همواره حفظ می‌کرد. صائب در ادبیات ترکیه و در اجتماع شعرای آن سامان نیز تأثیر ژرف بخشیده و از تذکره‌نویسان ترک، معلّم ناجی، در اثر خود «اسامی»، می‌نویسد: «دیوان صائب در دیار روم چندان اشتهار داشت که حتّی در مدارس آن تدریس می‌شد. در «سماح‌خانه ادب» و مجالس شعرخوانی شعرای ایران و روم به مشاعره و مناظره می‌پرداختند و عمر گرانمایه را با ملاطفت و عشق سپری می‌کردند و این‌همه را مدیون نفس گرم صائب بودند».^(۱۳)

صائب در شعر ترکی عموماً تحت تأثیر شاعر عارف فضولی و ملهم از شعر آذری او بود و متقابلاً قوسی تبریزی و راقب از سبک صائب پیروی می‌کردند. درباره سبک و سیاق صائب و شیوه سخنوری او بسیار گفته‌اند و در این مقال کجایی بودن او مدّ نظر است و از پرداختن به سایر مطالب عنان درمی‌کشیم.

غور در غزلهای ترکی شاعر تسلّط کامل و شیوایی کلام دل‌انگیز او را در

این زبان به‌خوبی نشان می‌دهد و این اشراف به رمز و راز زبان ترکی آذری هرگز امکان نمی‌پذیرد مگر اینکه بپذیریم شاعر سالهایی از حیات خویش را در سرزمین اجدادی خود سپری کرده و در محافل ادبی و مجالس شعر و شاعری آن دیار به خوشه‌چینی و توشه‌اندوزی پرداخته است. قدر مسلم اینکه وی تا سنین ۲۵-۲۰ سالگی اگر متوالیاً در تبریز نبوده، متناوباً بدان خطّه آمد و شد داشته، او در یکی از غزل‌های خود به عهد شباب خویش در خطّه تبریز اشاره می‌کند:

در بهار سرخ‌رویی همچو جنت غوطه داد

فکر رنگین تو صائب خطّه تبریز را

یان ریپکا او را تبریزی می‌داند و برخی هم بر اصفهانی بودن او اصرار می‌ورزند، درواقع هرکسی از ظنّ خود نظر به کنجایی بودن او داده و کشمکشی پدید آورده‌اند که شاید آبشخوری از تعصّب آن را سیراب می‌کند. اما صائب هرکجایی باشد، یک ایرانی، زاده آزاده شهر تبریز است و از مفاخر بزرگ ادب فارسی است و صاحب سرو آزاد او را امام غزل‌طرازان و علامه سخن‌پردازان دانسته است.

در خاتمه مقاله نام چند منبع تاریخی که شرحی از صائب را آورده‌اند می‌نگاریم و سخن را به پایان می‌بریم. زنده‌یاد میرزا محمدعلی تربیت در اثر نامی خود «دانشمندان آذربایجان» می‌نویسد: «نام نامی صائب در کتب ذیل آمده و طالبان تفصیل به آنجاها رجوع نمایند:

خیرالبیان، قصص الخاقانی، تذکره نصرآبادی، کلمات الشعراء، مرآت جهان‌نما، مرآت‌الخیال، سفینه خوشگو، تذکره حسینی، ید بیضا، خزانه عامره، سرو آزاد، ریاض‌الشعراء، آتشکده آذر، صحف ابراهیم، نتایج‌الافکار، تذکره

خوشنویسان، مجمع‌الفصحاء، شمع انجمن، شعرالعجم، گنجینه فنون، قاموس الاعلام، بیاض صائب، لطایف الخیال، خرابات و گلستان مسرت^(۱۵) شگفت‌افزاست از میان این‌همه آثار و منابع تاریخی که به طور یقین اغلب آنها به تبریزی بودن شاعر اشاره کرده‌اند، استاد فقید ادعا می‌کنند که تنها صاحب قصص الخاقانی، صائب را تبریزی می‌داند ولاغیر.

یادداشت‌ها:

۱. کلیات صائب تبریزی، به اهتمام امیری فیروزکوهی، انتشارات خیام، تهران ۱۳۳۶، ص ۳.
۲. تاریخ ادبیات در ایران، تهران ۱۳۶۲، بخش یکم از جلد پنجم، ص ۵۲۴.
۳. کلیات صائب، ص ۲۲.
۴. همان، ص ۲۲.
۵. میرزا محمدعلی تربیت در اثر بزرگ خود «دانشمندان آذربایجان» به متجاوز از ۲۵ اثر که نام نامی صائب و شرح حال او را آورده‌اند، اشاره کرده است.
۶. تاریخ ادبی ایران از سعدی تا جامی، تألیف ادوارد براون، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران ۱۳۵۷، ج ۳، ص ۳۸۸.
۷. فرهنگ اشعار صائب، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۵-۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۸ همراه با دیوان صائب در شش جلد، محمد قهرمان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۴.
۸. همان، ص ۱۹.
۹. فهرست نسخ خطی فارسی، احمد منزوی، ج ۳، صص ۲۳۹۵-۲۳۹۱.
۱۰. تذکره نصرآبادی.
۱۱. دائرةالمعارف جمهوری آذربایجان، باکو ۱۹۸۴، ج ۸، ص ۲۵۸.
۱۲. تاکنون ۲۱ غزل به زبان ترکی آذری شاعر به دست آمده که یک نسخه از آن نزد نگارنده است.
۱۳. دیوان غزلیات ترکی صائب، باکو ۱۹۴۶، از انتشارات خانه فرهنگ آذربایجان و ایران.
۱۴. دانشمندان آذربایجان.
۱۵. همان، ص ۲۲۵.